

# پایان کلام

## تفاوت‌های بیانی در

### قرآن

دکتر پرویز آزادی | کارشناس گروه درسی دین و زندگی

کریم در هر موقعیتی به سبک خاص آن موقعیت سخن می‌گوید. امروزه از علم سبک‌شناسی، که یکی از علوم مؤثر در شناخت پیچیدگی‌ها و شگفتی‌های قرآن کریم است، استفاده می‌شود. اکنون فرصتی دست داده است تا برخی از این حکمت‌های تفاوت بیان را بهتر بشناسیم.

**کلیدواژه:** قرآن، روابط مفهومی، سبک‌شناسی

تغییر نحوی يك ویژگی متداول زبانی در گفتمان قرآنی است. این نوع تغییر، یکی از اشکال ذیل را به خود می‌گیرد:

#### چینش کلمات

تغییر سبک وقتی اتفاق می‌افتد که تغییری در چینش کلمه روی می‌دهد. در گفتمان قرآنی، این نوع از تغییر سبک با عوامل بینامتنی قرین است، همانند مثال‌های ذیل:

#### مثال اول

«... وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ...» (البقره/۴۸)

و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود.

«... وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ...» (البقره/۱۲۳)

و نه بدل از وی پذیرفته شود، و نه او را میانجیگری سودمند افتد.

لازم است در اینجا به روابط مفهومی و بینامتنی میان این عبارات و محیط زبانی محاط بر آن نگاهی بیندازیم. در آیه ۴۸ کلمه «شَفَاعَةٌ» قبل از «عَدْلٌ» قرار گرفته است، به این دلیل که بافت موقعیت و محیط مفهومی آن با مفهوم محافظت، صبر و تقوا در ارتباط است («وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقره/۴۵)). این‌ها ویژگی‌های اساسی است که يك فرد می‌تواند از طریق آن‌ها به



#### تغییر سبک وقتی

اتفاق می‌افتد

که تغییری در

چینش کلمه

روی می‌دهد. در

گفتمان قرآنی،

این نوع از تغییر

سبک با عوامل

بینامتنی قرین

است

#### چکیده

قرآن کریم برترین معجزه پیامبر اکرم از طرف خداوند است. این معجزه تا روز قیامت برای تمامی مردم کتاب هدایت خواهد بود. الفاظ این کتاب الهی از سوی خداوند است و رسول اعظم فقط رساننده و مبین این پیام بوده است. خداوند، حکیم است و کلام او در نهایت اتقان و حکمت است. شماری از این حکمت‌ها با مقایسه برخی از آیات با برخی دیگر بهتر مشخص می‌شوند. در واقع قرآن

شفاعت در روز جزا دست یابد.

بنابراین، کلمه «شَفَاعَة»، برجسته شده است در حالی که «عَدْل» در انتهای جمله قرار گرفته تا نشان دهد که حتی دسترسی به اموال که در این دنیا دارای ارزش فراوانی است در روز قیامت هیچ ارزشی ندارد. در نجات زندگی یک انسان، ممکن است فرد برای شفاعت به ابزار دیپلماتیک متوسل شود و وقتی این رویکرد با شکست مواجه شود، ممکن است به دادن فدییه روی آورد. در حالی که، یافت موقعیت آیه ۱۲۳ شَرِكِ اسْتِ «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا مُبْهَجًا بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ» (البقره/۱۱۶) و در جهت ساختن وخامت شَرِكِ، گفته شده است که حتی یک فدییه عظیم (عَدْل) نیز موجب بخشش نخواهد شد. بنابراین، واژه «عَدْل» در کانون توجه قرار گرفته است.

### مثال دوم

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَ النُّصَارَى وَالصَّابِئِينَ...» (البقره/۶۲) کسانی که ایمان آورده اند، و یهود و نصاری و صابئان.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئُونَ وَ النُّصَارَى» (المائده/۶۹، الحج/۱۷) آن‌ها که ایمان آورده اند، و یهود و نصاری و صابئان...

در اینجا با فهرستی از سه اسم مواجهیم: «هادوا، النصاری و الصابئین». چینش اسم دوم و سوم در آیه ۶۲ سوره بقره، متفاوت با چینش در آیه ۶۹ سوره مائده و آیه ۱۷ سوره حج است. به بیانی دیگر، کلمه «الصَّابِئِينَ» در انتهای فهرست قرار گرفته؛ در حالی که در آیه ۶۹ سوره مائده و آیه ۱۷ سوره حج، در جایگاه اسم دوم (النُّصَارَى) قرار گرفته است. دلیل این دگرگونی در چینش کلمات، در بافت موقعیت نهفته است. به این نحو که معانی اساسی تفسیری با یکدیگر مرتبط اند. در آیه ۶۲ سوره بقره، موقعیت مسیحیان به عنوان اهل کتاب برجسته شده است. بنابراین، آن‌ها قبل از «صابئین» که هیچ کتابی ندارند، قرار گرفته اند. در سوره مائده، «صابئین» از این دیدگاه که دقیقاً قبل از مسیحیان می‌زیسته اند قبل از مسیحیان قرار گرفته اند.

### مثال سوم

«... مَا أَهْلٌ بِهِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ...» (البقره ۱۷۳/۲) آنچه را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند.

«... وَمَا أَهْلٌ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ بِهِ...» (المائده / ۳، الانعام / ۱۴۵ و النحل / ۱۱۵) آنچه را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند.

در آیه ۱۷۳ سوره بقره، جار و مجرور «به»، طبق معمول قواعد عربی در ابتدا قرار گرفته؛ در حالی که در آیات دیگر، «به» در انتها آمده است؛ به این صورت که جمله انتهایی جلوتر آمده است تا نیت «لِيُغَيِّرَ اللَّهُ» برجسته شود و در کانون توجه خواننده قرار گیرد. باید به این نکته توجه کرد که ترجمه، آن گونه که این تغییر در زبان عربی نشان داده می‌شود، تغییر سبک را نشان نمی‌دهد.

### مثال چهارم

«... لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا...» (البقره/۲۶۴) آن‌ها توان نگاه داشتن چیزی از آنچه کسب کرده اند را ندارند.

«... لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ...» (ابراهیم/۱۸) آن‌ها توان اجتناب کردن از آنچه کسب کرده اند را ندارند.

با وجود اینکه در قواعد زبان عربی مرسوم است که جار و مجرور «علی شئیء» جلوتر قرار می‌گیرد. همانند آیه ۲۶۴ سوره بقره، فعل «كَسَبَ» در آیه سوره ابراهیم جلوتر قرار گرفته است؛ این تقدیم جهت دستیابی به همخوانی واژگانی صورت گرفته است. به این نحو که به صورت بینامتنی میان «كَسَبَ» و «اعمال»، که هر دو از نظر معنایی با یکدیگر مرتبط اند، ارتباط وجود دارد. به بیان دیگر، هم متن واژگان موجب تغییر سبک در آیه ۱۸ سوره ابراهیم شده است.

### مثال پنجم

«... فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ...» (البقره/۲۸۴، آل عمران / ۱۲۹، مائده / ۱۸ و فتح / ۱۴) پس هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند.

«... يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ...»

«...» (المائده / ۴۰)

هر که را بخواهد عذاب می‌کند و هر که را که بخواهد می‌آمرزد.

در يك روال معمول با فعل «يَغْفِرُ» مواجه می‌شویم که قبل از فعل «يُعَذِّبُ» قرار گرفته است، همانند آیه ۲۸۴ سوره بقره و سایر سوره‌های قرآنی. این امر به منظور برجسته ساختن رحمت خداوند است و اینکه بخشش او مهم‌تر از عذاب اوست. در حالی که، در آیه ۴۰ سوره مائده، با تغییر سبک، فعل «يُعَذِّبُ» در اول آمده، که به دلیل بافت موقعیت است که توسط آیه ۳۸ ایجاد شده است. این آیه با سارقان زن و مرد و قوانین جزایی اسلام، که همان تشبیه متناسب با جرم آن‌هاست، مرتبط است. برای برقراری یک رابطه بینامتنی میان آیه ۳۸ و آیه ۴۰ فعل «يُعَذِّبُ» جلوتر آمده است.

### مثال ششم

«قَالَ رَبِّ أُنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَ امْرَأَتِي عاقِرَةٌ...» (آل عمران / ۴۰) گفت: پروردگارا، چگونه مرا پسری باشد، و حال آنکه پیری به من رسیده و زخم نازاست؟

«قَالَ رَبِّ أُنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَ كَانَتْ امْرَأَتِي عاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا» (مریم/۸) گفت: پروردگارا، چگونه مرا پسری باشد و حال آنکه زخم نازاست و من از پیری به فرتوتی رسیده‌ام؟

تغییر سبک با قرار گرفتن عبارت «امرأتی» قبل از مصدر «الکبر» در آیه ۸ سوره مریم تحقق یافته است. این تغییر سبک به این دلایل است.

الف. عامل بافت واژگانی موقعیت در آیه ۵ سوره مریم، جایی که کلمه «امرأتی» آمده، بر جلو افتادن همان کلمه در آیه ۸ تأثیر گذاشته است؛

ب. مصدر «الکبر» در انتهای جمله قرار گرفته است تا هم‌آوایی حاصل شود.

### پی‌نوشت

۱. اگر کسی بپرسد که کدامیک از این دو عبارت کلام مریم سلام‌الله علیها است؟ می‌گوییم کلام مریم سلام‌الله علیها یکی است لکن خداوند متعال با دو تعبیر آن را بیان فرموده است.

